

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۳

فصل ۱ : ۱ - ۷

آیه حفظی برای ۲۵ ماه ژانویه سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، دانیال نبی ۸ : ۱

۸ اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشتن را از طعام پادشاه و از شرابی که او می نوشید نجس نسازد.

آیه حفظی برای ۱ ماه فوریه سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، متی ۶ : ۹ - ۱۱

۹ ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.

۱۰ ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.

۱۱ نان کفاف ما را امروز به ما بده.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۱ : ۱ - ۷ را

بخوانید.

۱ در سال سوم سلطنت یهوایقیم پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اورشلیم آمده، آن را

محاصره نمود.

۲ و خداوند یهوایقیم پادشاه یهودا را با بعضی از ظروف خانه خدا به دست او تسلیم نمود و او

آنها را به زمین شنعار به خانه خدای خود آورد و ظروف را به بیت‌المال خدای خویش گذاشت.

۳ و پادشاه اشفناز رئیس خواجه سرایان خویش را امر فرمود که بعضی از بنی اسرائیل و از

اولاد پادشاهان و از شرفا را بیاورد.

۴ جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکومنظر و در هرگونه حکمت ماهر و به علم دانا و

به فنون فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند.

۵ و پادشاه وظیفه روزینه از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشتید تعیین نمود و امر فرمود که ایشان را سه سال تربیت نمایند و بعد از انقضای آن مدت در حضور پادشاه حاضر شوند.

۶ و در میان ایشان دانیال و حَنَنیا و میشائیل و عَزْریا از بنی‌یهودا بودند.

۷ و رئیس خواجه سرایان نامها به ایشان نهاد، اما دانیال را به بَطْشَصَّر و حَنَنیا را به شَدْرَك و میشائیل را به میشک و عَزْریا را به عَبْدَنَعُو مسمی ساخت.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه و مرور: در جلسات گذشته مطالعه کردیم که کتاب دانیال نبی از زمان یک بحران در تاریخ اسرائیل شروع می‌شود و تا زمان آمدن دوم مسیح، به ما تعلیم می‌دهد. این کتاب یک دید کلی از تاریخ و آینده جهان به ما می‌دهد که در ضمن بسیار عملی است.

دیدیم که مطلب اصلی کتاب دانیال نبی در ۴: ۳۲ خلاصه شده است: **"حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می‌کند."** در فصل کتاب دانیال نمونه‌های بسیاری پیدا می‌کنیم که خداوند هم بر ممالک و هم بر زندگانی تک تک افراد حاکم است.

در جلسات گذشته در طی مطالعه مان رسیده بودیم به آیه ۳. آیه سوم می‌فرماید: **و پادشاه اشفناز رئیس خواجه سرایان خویش را امر فرمود که بعضی از بنی‌اسرائیل و از اولاد پادشاهان و از شرفا را بیاورد.**

نبوکد نصر جوانان خانواده‌های نجبای اسرائیل را می‌سپرد تحت نظارت و تعلیم و تربیت یکی از مقامات بلند پایه‌ی دربارش به نام اشفناز تا آنان را در فرهنگ و آداب و رسوم بابل پرورش دهد تا بتواند از آنان در آینده برای اداره امور اسرائیل استفاده کند. اما خداوند برنامه‌ای دیگر برای چهار نفر از این اسیران یهودی داشت.

مطالعه امروز: اشفناز، نامش در متون آرامیک کتاب دانیال، و نیز کتیبه‌های میخی کشف شده در منطقه بابل، ذکر شده است. اشفناز یک مقام بلند پایه‌ی دربار نبوکد نصر بود و تربیت این جوانان به او سپرده شده بود. ما در مطالعه مان از کتاب دانیال خواهیم دید که چگونه خداوند این چهار جوان یهودی و اسیر را در دربار بابل به مقامات بالا می‌رساند. و این اولین باری نیست که خداوند چنین کاری

را کرده است. در کتاب پیدایش، فصلهای ۳۷-۵۰ می خوانیم که چگونه خداوند یوسف را که اسارت به سرزمین مصر فرستاده شده بود به مقام نخست وزیری مصر رساند. این اصلی است در کلام خدا: ۶ پس زیر دست زور آور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید (۱ پطرس ۵: ۶).

۴ جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکومنظر و در هرگونه حکمت ماهر و به علم دانا و به فنون فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند.

اکثریت دانشمندان کتاب مقدس، معتقدند که این جوانان حدوداً ۱۴ و یا ۱۵ سال سن داشتند. حالا، افلاطون فیلسوف یونان باستان در قرن پنجم میلادی در نوشته هایش می نویسد که در ایران باستان تعلیم و تربیت نوجوانان از سن ۱۴ سالگی شروع می شد. بنابراین، کاملاً منطقی است که بابلیان هم از نمونه ایرانیان باستان پیروی نموده و تعلیم و تربیت نوجوانان را از سن ۱۴ سالگی شروع می کردند. و این نظر دانشمندان کتاب مقدس را در مورد سن دانیال و دوستانش تائید می کند.

این نوجوانان ۱۴ یا ۱۵ ساله از نظر فیزیکی هیچ عیبی نداشته باشند و نیکومنظر بودند و از نظر علم و دانش شان در هرگونه حکمت ماهر و به علم دانا و به فنون فهیم که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه داشتند. و این تعجبی ندارد چون یهودیان از سنین بسیار زودتر از ایرانیان و بابلیان تعلیم و تربیت فرزندانیشان را شروع می کردند. از ملتی مانند اسرائیل که افراد حکیم و دانائی مثل سلیمان را در تاریخ خود داشته اند، انتظار کمتری نمی شود داشت.

آنچه که این نوجوانان یهودی نمی دانستند زبان و فرهنگ کلدانیان یا بابلیان می بود که یادگیری آن چیز بسیار خوبی بود. زبان کلدانی بسیار نزدیک به زبان آرمیک است. و این زبانی بوده است که ابراهیم به آن صحبت می کرد.

۵ و پادشاه وظیفه روزینه از طعام پادشاه و از شرابی که او می نوشید تعیین نمود و امر فرمود که ایشان را سه سال تربیت نمایند و بعد از انقضای آن مدت در حضور پادشاه حاضر شوند.

نبوکد نصر مقرر می کند که برای سه سال از غذا و شراب او به این اسیران یهودی بدهند. سؤال این است که چرا؟ آیا موضوع فقط این بود که می خواست این جوانان که قرار است در اداره امور

اسرائیل به او کمک کنند بهترین آموزش و بهترین تغذیه را داشته باشند؟ چطور شد که ناگهان این پادشاه قسی القلب، که کشور آنها ویران کرده بود، این شخصی که با بیرحمی دشمنانش را می کشت، ناگهان آنقدر سخاوتمند می شود؟ ببینید در اینجا یک نکته بسیار مهمی وجود دارد. این روش شیطان و دنیاست که می آید شما را در یک شرایطی قرار می دهد که شما احساس می کنید به آنها مدیون هستید. به اصطلاح شما را زیر منت شان قرار می دهند تا شما احساس الزام کنید که باید خدمتشان کنید. دقیقا کاری که برخی ایرانیان عزیز می کنند که افراد را به خانه شان دعوت می کنند، ولی نه بخاطر محبت بی ریا، نه بخاطر مهمان نوازی، بلکه هدف و نقشه دارند. تا بعد شما را در دام بیاندازند.

روش دنیا و شیطان این است که آنچه ما به آن نیاز داریم را تحت کنترل خودشان در می آورند، تا ما به آنها متکی شویم. یعنی روش این دنیای بی ایمان این است که من و شما را بخرد. تا ما بجای خداوند، دنیا و یا شیطان را خدمت کنیم. و دقت کنید، شیطان در ابتدا بسیار هم دست و دل باز است. بسیار سخاوتمند است. ولی فقط در ابتدا. سه سال از سفره امپراطور بابل به این اسیران یهودی خوراک و شراب بده. یادتان می آید در متی ۴: ۸ شیطان به مسیح چه گفت؟ گفت: اگر مرا سجده کنی، تمامی ممالک جهان و جلال آنها را به تو می بخشم. شیطان و دنیای تحت نفوذ شیطان برای آنکه من و شما به دام بیاندازند در ابتدا بسیار دست و دل باز هستند. ولی همیشه بیاد داشته باشید، نان کفاف پدر آسمانی از سفره شاهانه شیطان بمراتب بهتر است.

این نصیحت شیطان بود به نبوکد نصر: "به این اسیران غذای شاهانه بده! بگذار به تو وابسته بشوند. به اسارت تو در بیایند. بگذار فکر کنند به تو مدیون هستند." و این دقیقا روشی است که شیطان برای به دام انداختن ما نیز بکار می برد. تا در آخر مانند آن اسیران یهودی او را، شیطان را، دنیا را، خدمت کنیم، و بعد از انقضای آن مدّت در حضور پادشاه حاضر شوند، و او را خدمت کنند. ولی چهار نفر، و فقط چهار نفر در این دام نمی افتند. و نامهای آنها در آیه شش ذکر شده است.

آیه ۶ و در میان ایشان دانیال و حَنّیا و میشائیل و عَزْرَیا از بنی یهودا بودند.

فقط چهار نفر در مقابل شستشو های مغزی دنیا ایستادگی می کنند. افراد زیادی وجود ندارند که حاضرند در مقابل دام های دنیا مقاومت نشان دهند. ایمانداران زیادی وجود ندارند که حاضر نیستند به آهنگ دنیا برقصند. ایمانداران زیادی وجود ندارند که حاضر نیستند کالای سازشکاری با دنیا را بخرند. شما چطور؟